

## دیدگاه اسلام و پیشوایان دینی در مقابله با کودک آزاری و خشونت علیه کودکان

faeze.peiman@yahoo.com

کافزاه پیمان پاک / کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید بهشتی

ppooralamdari@yahoo.com

پریسا پورعلمداری / کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید بهشتی

shahla.pakdaman@yahoo.com

شهلا پاکدامن / عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

پذیرش: ۹۴/۱/۲۹

دریافت: ۹۳/۹/۱۱

### چکیده

یکی از بزرگ‌ترین گناهان در اسلام، ظلم و آزار به کسی است که هیچ پناهگاهی جز خداوند ندارد. پژوهش حاضر از یک‌سو، مصادیق، علل و آثار پدیده کودک‌آزاری را بیان کرده و از سوی دیگر، به بررسی نظر اسلام، سیره معصومان علیهم‌السلام و مراجع عظام در این مورد پرداخته است. این مطالعه از نوع کیفی است و از روش تحقیق توصیفی و اسنادی استفاده کرده است. از نظر اسلام، خشونت و آزار، بخصوص در رابطه با مسائل تربیتی و در رابطه با انسان‌هایی که خداوند به آنان شخصیت و کرامت عطا فرموده، از جمله کودک، ممنوع است. والدین حق ندارند به هیچ بهانه‌ای صدمه‌ای جسمی یا روحی به کودک وارد کنند. نکته بسیار جالب توجه این است که این حمایت‌ها از حقوق کودکان در قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام زمانی مطرح شده که هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود نداشته است. اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای کودکان و دفاع از آن، زمینه را برای رشد و پیشرفت آنان در همه جنبه‌ها فراهم آورده است. از این رو، برای جلوگیری از پدیده کودک‌آزاری که متأسفانه امروزه در جوامع جهانی گسترش یافته، استفاده از تعالیم دینی و نظر کارشناسان مذهبی در زمینه نحوه رفتار با فرزندان و چگونگی تعلیم و تربیت آنان ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، پیشوایان دینی، کودک‌آزاری، خشونت، کودکان.

## ۱. مقدمه

حد تکلیف شرعی نرسیده‌اند، در نظر گرفته است. فقط در زمانی که مربی از روش محبت و دوستی اثری مشاهده نکند، ناگزیر شدت عمل نشان می‌دهد ولی این شدت عمل از نظر اسلام چنان است که به سلامتی کودک صدمه‌ای نمی‌زند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تربیت فرزندان خود، هرگز به تنبیه بدنی متوسل نشدند و از هیچ عاملی جز لطف و محبت بهره نگرفتند (اخلاقی، ۱۳۸۷، ص ۶۰۲). چنان‌که اشاره شد، هدف اصلی در جایز بودن تأدیب کودک، تربیت صحیح اوست. از این رو، والدینی می‌توانند در این مسیر گام بردارند که این هدف، آرمان تربیتی آنان باشد. لذا تأدیب کودک با انگیزه تشفی خاطر یا کاستن از فشارهای عصبی خود و مانند آن جایز نیست. اسلام در باب تنبیه دیدگاه خاصی دارد که از هرگونه افراط و تفریط مبرا است و به شیوه‌ای اعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به شکل محدود، برای اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می‌پذیرد. دین اسلام سفارش اکیداً می‌کند که بزرگ‌ترها در برابر کوچک‌ترها بیشتر احساس مسئولیت کنند و حقوق آنها را مراعات نمایند: «مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۳۲). بر این اساس، حتی تنبیه بدنی را ابتدا حتی برای حیوانات نمی‌پسندد و ترحم بر آنها را از وظایف هر کس می‌داند (پاکدامن، پورعلمداری و پیمان‌پاک، ۱۳۹۱).

بسیاری از فقها نیز در کنار حکم به جواز تأدیب، بدین نکته نیز اشاره نموده‌اند. صدمات ناشی از تأدیب با سوءنیت، از دیگر مصادیق کودک‌آزاری به‌شمار می‌رود، که علما نیز بدان تصریح دارند. از این رو، اگر تنبیه بدنی خارج از حد ضرورت یا بیش از مقدار لازم باشد، تعدی بوده، موجب ضمان، دیه و مجازات تعزیری است.

کودکان به دلایل مختلف از جمله سن کم و نداشتن مهارت‌های کافی، همواره یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند و به حمایت بزرگان، بخصوص والدین خود نیاز دارند. حال آنکه در صورت بی‌کفایتی و ناشایستگی والدین، ممکن است مسائل و مشکلاتی از جمله کودک‌آزاری توسط آنها رخ دهد (خوشابی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱). کودک‌آزاری و خشونت نسبت به کودکان سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد که در هر دوره‌ای از تاریخ تعریف و مصادیق متفاوتی داشته است. در دین مبین اسلام یکی از بزرگ‌ترین گناهان، ظلم و آزار به کسی است که هیچ پناهگاهی جز خداوند ندارد. در حدیث نبوی آمده است: «أَنَّهُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - أَشْتَدَّ غَضَبِي عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَحَدًا لَّا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرِي» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ص ۵۰)؛ خدای تعالی فرمودند: غضب من شدید می‌شود بر کسی که ظلمش بر مظلومی است که یآوری غیر از من پیدا نمی‌کند [دسترسی به محاکم قضایی ندارد]. بنابراین، یکی از مصادیق بارز ظلم، ظلمی است که از سوی والدین یا سرپرستان قانونی به فرزندان می‌شود؛ چراکه از وظایف پدر و مادر حفظ و تربیت کودک است؛ از این رو، ایشان حق ندارند به هیچ بهانه‌ای صدمه‌ای جسمی یا روحی به کودک وارد کنند؛ ضمن اینکه، جواز تأدیب کودک منوط به شرایط و محدود به حدود خاصی است و والدین نمی‌توانند به استناد حق تأدیب، به هر شیوه‌ای برای تأدیب کودک خود توسل جویند.

«تأدیب» در لغت به معنای ادب آموختن به کسی، ادب کردن، ادب دادن، آموختن طریقه نیک و تربیت نمودن آمده است و در اصطلاح فقها، مجازات سبکی است که فقه اسلامی برای اعمال ناشایسته‌کسانی که به

بوده است. کودک‌آزاری از دو کلمه کودک (child) و آزار (abuse) تشکیل شده است. کودک از نگاه قوانین بین‌المللی، از جمله پیمان‌نامه حقوق کودک، به بیجه کمتر از ۱۸ سال اطلاق می‌شود و در فقه به فردی اطلاق می‌شود که به بلوغ شرعی نرسیده باشد (نجفی توانا، ۱۳۸۹، ص ۲۹). طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، آزار کودکان به همه اشکال سوء رفتار جسمی، عاطفی، جنسی، بی‌توجهی، استثمار یا انواع بهره‌کشی از کودک حول رابطه‌ای مبتنی بر مسئولیت‌پذیری، اعتماد و قدرت اطلاق می‌شود که باعث لطمه بالفعل یا بالقوه به سلامت، بقا، رشد و کرامات کودک گردد (بانرجی، ۱۳۸۳، ص ۴). در اصطلاح متخصصان، هرگونه آسیب جسمانی یا روانی، سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی کودک و نوجوان زیر ۱۸ ساله توسط دیگر افراد یا اعضای خانواده که به صورت تصادفی نباشد، کودک‌آزاری گفته می‌شود (مدنی، ۱۳۸۳، ص ۲۰). ماده دوم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) نیز در تعریف کودک‌آزاری می‌گوید: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است.» بر اساس این تعاریف، ماهیت کودک‌آزاری، اذیت و آزار است. از این رو، مجرم باید سوءنیت عام و خاص داشته و در صدد آزار او برآمده باشد. بدین سبب، کسی که از روی عدم سوءنیت باعث به وجود آمدن صدماتی به کودک شود، مرتکب کودک‌آزاری نشده است. از سوی دیگر، کودک‌آزاری جرمی مقید به نتیجه است و از این رو، باید عملیات آزاردهنده موجب صدمات جسمی یا روانی و اخلاقی گشته و سلامت جسم و روان کودک را به خطر اندازد. عنصر مادی این جرم، عبارت است از صدمات

خشونت علیه کودکان اگرچه در نگاه اول، پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد، اما با توجه به پیامدهای سوء آن در حفظ نظم و سلامت جامعه، منشأ بسیاری از رفتارهای انحرافی همچون سوء مصرف مواد مخدر و الکل، روسپی‌گری، فرار از خانه، رفتارهای بزهکارانه و جرایم جنسی، ارتکاب خشونت علیه کودکان و همسر، و آمادگی برای تحمل روابط خشونت‌آمیز در زندگی زناشویی است که اقتضا می‌کند این معضل را جزو آسیب‌های اجتماعی بسیار جدی به‌شمار آوریم (خاک‌رنگین و فتحی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴). این در حالی است که وقتی با نگاه دینی وارد قلمرو احکام و تکالیف دینی می‌شویم، در کنترل آسیب‌های اجتماعی عرصه‌های جدیدی به روی ما گشوده می‌شود و مکارم اخلاقی از مهم‌ترین اولویت‌های مورد توجه دین مبین اسلام در زندگی روزمره است.

به‌طور کلی، توجه به جایگاه حقوق کودک در جهان امروز آنچنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده است که سازمان‌های جهانی، دانشگاه‌ها و مجامع علمی در سطح دنیا و دستگاه‌های قضایی به شکل مستقل به آن پرداخته و ابعاد مختلف حقوقی آن را مورد بررسی خاص از دیدگاه مکاتب مختلف حقوقی قرار داده‌اند. آشنایی با دیدگاه حقوق اسلام به لحاظ گستره سرزمینی و جمعیتی مسلمانان از ابعاد مختلف مورد اهتمام می‌باشد. از این رو، مقاله حاضر کوشیده است دو هدف اصلی را دنبال کند: (۱) بررسی مصادیق، علل و آثار پدیده کودک‌آزاری؛ (۲) بررسی یک فراز از حقوق کودک (در مورد کودک‌آزاری) از دیدگاه اسلام.

## ۲. یافته‌ها

### ۲-۱. تعریف کودک‌آزاری

پدیده کودک‌آزاری سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشری دارد که در هر دوره‌ای از تاریخ تعریف مفهومی آن متفاوت

جسمی (مانند جراحات) و صدمات روانی (مانند پریشانی روانی، اضطراب، افسردگی و...).

## ۲-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

پدیدهٔ مخرب کودک‌آزاری چندی است که با شدت و حدت هرچه بیشتری در متن جامعه بشری نمود یافته است. این امر مختص به یک طبقه یا مکان جغرافیایی مشخص نیست و در کشور ما نیز طی سالیان اخیر در مواردی رخ داده و افکار عمومی را جریحه‌دار نموده است؛ با توجه به اینکه جامعهٔ ما، جامعه‌ای اسلامی است و اسلام نیز به مثابه یک دین همه‌جانبه‌نگر و جهان‌شمول، بیشترین تأکیدات را بر لزوم حفظ حقوق انسانی کودکان و همچنین لزوم تربیت صحیح آنان دارد، می‌توان از آن به مثابه روشی نوین برای تعامل با کودکان بهره جست. باید توجه داشت که شکنجه و آزار کودکان، به هیچ‌روی شایسته فرهنگ غنی اسلامی و ملی کشورمان نیست و به همین دلیل، ضرورت رجعت به منابع غنی اسلامی در این برهه از زمان نیازی خاص و تام احساس می‌شود.

## ۲-۳. انواع کودک‌آزاری

کودک‌آزاری اشکال متفاوتی دارد؛ از محروم نمودن کودک از غذا، لباس، سرپناه، و محبت پدر و مادر گرفته، تا مواردی که در آن، کودک از نظر جسمی از سوی یک فرد بالغ مورد آزار و بدرفتاری قرار می‌گیرد، که آشکارا موجب صدمه دیدن و غالباً منجر به مرگ کودک می‌شود.

۲-۳-۱. **کودک‌آزاری جسمی:** کودک‌آزاری جسمی، عبارت است از رفتارهایی که به جسم کودک صدمه می‌زند؛ مانند کتک زدن، سوزاندن، مجروح کردن، شکستن و کبود کردن بدن کودک. همچنین عدم تأمین نیازهای مادی از قبیل خوراک، پوشاک، بهداشت و سرپناه نیز می‌تواند در این

تقسیم‌بندی قرار گیرد (کاویانی فر، ۱۳۸۹، ص ۱۶).  
۲-۳-۲. **سوءاستفاده و کودک‌آزاری جنسی:** هرگونه استفاده از کودکان در زمینهٔ مواد مخدر، واداشتن آنها به کارهای دشوار (کاویانی فر، ۱۳۸۹، ص ۱۶)، سوءاستفاده جنسی به صورت‌های مختلف، از جمله برهنه کردن کودک، دستمالی اندام او، یا تجاوز به وی و به‌طورکلی بهره‌برداری جنسی از کودک نابالغ به منظور کسب لذایت و ارضای میل جنسی (گنجی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹)، نمایشگری و استفاده از تصاویر مستهجن (موسوی و سوهانی، ۱۳۸۱، ص ۱۳) و... را شامل می‌شود.

۲-۳-۳. **کودک‌آزاری عاطفی:** شامل هرگونه رفتار نامناسبی است که بر عملکرد رفتاری، شناختی، عاطفی و جسمی کودک تأثیر منفی داشته باشد. آزارهای کلامی و غیرکلامی، سرزنش یا تحقیر، ناسزا گفتن، مسخره کردن، دست انداختن، کنترل شدید و نامعقول، ترساندن مکرر کودک از تنبیه سخت بدنی، انتظارات و برخوردهای نامتناسب با سن کودک، به خدمت گرفتن کودک در جهت ارضای نیازهای عاطفی خود و پاسخ‌های رفتاری غیرقابل پیش‌بینی والدین که باعث بی‌ثباتی و دگرگونی شناختی کودک می‌شود، همه از مواردی است که می‌توان برای نمونه ذکر کرد. آزارهای عاطفی برخلاف آزارهای جسمانی بر جسم کودک اثر قابل رؤیتی به جای نمی‌گذارد؛ اما آثار آنها به مراتب عمیق‌تر و فاجعه‌آمیز است و تا آخر عمر بر روح و روان فرد باقی خواهد ماند (شامیابی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

تحقیقات نشان داده است که قرار گرفتن در معرض پرخاشگری کلامی والدین (که به عنوان جزء یا شکلی از کودک‌آزاری‌های عاطفی مشخص می‌شود)، اثر روانی منفی پایداری دارد و آثار سوء آن قابل قیاس با پیامدهای انواع دیگر از سختی‌های دوران کودکی مانند

کودک‌آزاری‌های جسمی و سوءاستفاده جنسی است. همچنین شواهد نشان داده است افرادی که در دوران کودکی مورد پرخاشگری کلامی مادران خود قرار گرفته‌اند، سه برابر بیشتر از کسانی که این تجربه را نداشتند در طول دوران نوجوانی یا اوایل دوران بلوغ دچار اختلالات شخصیت، وسواسی - اجباری و پارانوئید شده‌اند (پلکاری، رابی، بولگر و تیچر، ۲۰۱۴، ص ۹۲).

۳-۲. **کودک‌آزاری ناشی از غفلت و مسامحه:** غفلت یکی از شایع‌ترین انواع آزار کودکان است که اغلب در خانواده‌های کم‌درآمد مشاهده می‌شود (بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۲). کودک‌آزاری ناشی از غفلت و مسامحه عبارت است از: عدم مراقبت و علاقه‌مندی به کودک، محرومیت کودک از نیازهای اساسی و محرومیت از اقداماتی که برای رشد طبیعی و نمو کودک موردنیاز است و یا کودک را در معرض خطر قرار دادن، مسامحه و غفلت به صورت عدم مراقبت کافی جسمانی و بهداشتی و عدم تأمین نیازهای روحی، هیجانی و آموزش کودک، ترک طفل و به حال خود رها کردن کودک، فقدان محبت کافی، صحبت نکردن با کودک، عدم رسیدگی به وضعیت تحصیلی و بی‌توجهی به ترک مدرسه و نیز کودک را در معرض خطر قرار دادن (طاهری و قنبری، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

انواع این کودک‌آزاری‌ها در حالی مشاهده می‌شوند که در دین اسلام، کودک جایگاه ویژه‌ای دارد و این مکتب دستورات بسیار مهم و حساسی را در زمینه نحوه برخورد با کودک و رعایت همه‌جانبه حقوق وی به والدین ارائه می‌دهد که هدف تمامی آنها توجه خاص به کودکان و تأکید بر اهمیت دوران کودکی می‌باشد و حتی بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث منقول از اولیای دینی تأکید فراوان به کامل شدن برخی حقوق در این زمینه داشته‌اند؛ از جمله: ۱. انتخاب نام نیک برای فرزند (حرعاملی،

۱۳۶۷، ص ۱۲۶)؛ ۲. سرزنده و گرامی داشتن مادر او (کلینی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۹۹)؛ ۳. توجه به انتسابش به والدین؛ ۴. بهداشت کودک (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰ و ۲۴۱)؛ ۵. تغذیه مناسب کودک (بقره: ۲۳۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۴)؛ ۶. توجه به تعلیم و تربیت وی (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۷ و ۴۹؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۸۹، ص ۳۲)؛ ۷. مهرورزی به کودک (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ۴۷ و ۴۹)؛ ۸. تکریم وی (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲) و یاری کردن کودک بر کار نیک (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۸). دین اسلام، والدین را ملزم به رعایت حقوق کودکان نموده، آن را جزء لاینفک تکالیف دینی و مذهبی آنان به‌شمار آورده است.

#### ۲-۴. **علل کودک‌آزاری**

کودک‌آزاری یک مسئله فرهنگی - اجتماعی - پزشکی است که معمولاً چندین عامل به‌طور مشترک در بروز آن نقش دارد. عوامل مربوط به کودک‌آزاری را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد: الف) علل روانی؛ ب) علل خانوادگی؛ ج) علل فرهنگی.

۱-۲-۴. **علل روانی:** اگرچه ممکن است چند کودک در یک خانواده مورد اذیت و آزار واقع شوند، ولی گاهی یک کودک بیش از سایرین آزار می‌بیند. خانواده‌های بسیاری وجود دارند که در آنها تنها یک کودک مورد سوء رفتار دیگران قرار گرفته و فرزندان دیگر کمابیش حمایت و محافظت شده‌اند (بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

یکی از عوامل آزار کودکان از سوی والدین، شیطنت‌ها و رفتارهای ناهنجاری است که کودکان از خود بروز می‌دهند؛ رفتارهایی که گاه ناشی از بیش‌فعالی کودک است. بیش‌فعالی از آن دسته مشکلات رفتاری است که نیازمند برنامه‌های خاص تربیتی و گاه درمانی است.

هرچه این عوامل در والدین بیشتر باشند، خشونت و پرخاشگری کلامی آنها نیز بیشتر خواهد بود (پلکاری و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۹۱).

در یک تقسیم‌بندی کلی باید گفت: خانواده‌های آزارگر دارای ویژگی‌هایی همچون فقدان مهارت‌های کافی به عنوان والدین، تک‌والدی بودن خانواده، سابقه اعتیاد، سابقه بیماری جسمی یا روانی، سابقه محرومیت یا سوء پیشینه، سابقه طلاق و جدایی، وجود تعارض و ارتباطات مختل در خانواده، فقر و بیکاری والدین، جمعیت زیاد خانواده و انزوای اجتماعی و مطرود بودن خانواده از سوی اقوام و اجتماع هستند (بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۱۱؛ طاهری و قنبری، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

۳-۲-۴. **علل فرهنگی و اقتصادی:** محیط مساعد یکی از عوامل مهم برای وقوع پدیده کودک‌آزاری است. والدینی که با کودک خود بدرفتاری می‌کنند مربوط به طبقه، نژاد یا مکان جغرافیایی خاصی نیستند و هر یک از آنها وابسته به مذهب، تحصیلات و شغل و وضعیت اجتماعی خاصی هستند (بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

نتایج پژوهش دوگلاس و موهن (۲۰۱۴، ص ۴۲) نشان داد: کودکانی که مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند بیشتر در خانواده‌هایی پرورش می‌یابند که با کمبود خدمات اجتماعی، مشکلات مالی و بی‌ثباتی مسکن دست و پنجه نرم می‌کنند.

ذهنیت‌های غلط حاکم در میان برخی خانواده‌ها (به‌ویژه خانواده‌های با فرهنگ ضعیف) یکی از دیگر علل فرهنگی شایع منجر به کودک‌آزاری است. برخی از والدین، تربیت کودک را منحصر به تنبیه بدنی بی‌حد و حصر می‌دانند. یکی از دلایل وقوع بیشترین آمار کودک‌آزاری، یعنی کودک‌آزاری‌های جسمی و روحی، در این است که والدین نمی‌دانند اعمال سخت‌گیرانه و

ناآگاهی والدین بعضاً سبب می‌شود تا این مشکل، بحرانی شده، منتهی به کودک‌آزاری شود. البته مشکلات روانی دیگری همچون اضطراب، شب‌ادراری، پرخاشگری و... از جمله مشکلاتی است که نیاز به برنامه تربیتی و درمانی خاصی دارد؛ اما متأسفانه گاه به دلیل بی‌توجهی و یا ناآگاهی والدین نسبت به درمان صحیح، این مشکلات همچنان باقی مانده و موجب برانگیخته شدن خشونت علیه ایشان می‌شود. یکی دیگر از علل روانی وقوع کودک‌آزاری، نامشروع بودن کودک است. مادری که صاحب فرزند نامشروع می‌شود، عموماً نگرش دیگری به کودک خود دارد و همواره او را مدرکی دال بر عمل خلاف خود می‌بیند؛ به‌ویژه اگر تنها بوده و از خانواده و محیط جامعه طرد شده باشد. از این رو، همواره به کودک خود با چشمی دیگر می‌نگرد. براساس روایتی از امام صادق علیه السلام، یکی از علل حرمت زنا، به دنیا آمدن فرزند نامشروع است، که محروم از عوامل خانوادگی خواهد شد (طارمی، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

۲-۴-۲. **علل خانوادگی:** خانواده دارای نقش اساسی در بروز کودک‌آزاری است و اکثر کودک‌آزاری‌ها در خانواده از سوی والدین اعمال می‌شود (بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۱۱). بدرفتاری با کودکان غالباً بخشی از الگوی خشونت خانوادگی است. دعوا و کتک‌کاری میان والدین در این قبیل خانواده‌ها امری نسبتاً عادی است. همسرآزاری در این خانواده‌ها به چشم می‌خورد و فرزندان همراه با مادران مورد آزار جسمی، توهین، ناسزا و تحقیر قرار می‌گیرند (طاهری و قنبری، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

تحقیقات نشان داده است که خشونت و پرخاشگری کلامی والدین که یکی از انواع کودک‌آزاری‌های عاطفی است، با سطوح بالای افسردگی، اضطراب، طلاق و استفاده از مواد مخدر در والدین ارتباط دارد؛ بدین معنا که

ضعف باورهای دینی کودک‌آزاران دانست؛ زیرا کسی که معتقد به مکافات عمل در دنیا و عالم آخرت باشد، هیچ‌گاه به خود جرئت ظلم کردن به کودکان بی‌پناه را نمی‌دهد؛ چراکه بر اساس حدیث نبوی، خداوند متعال می‌فرماید: «مَا مِنْ مَظْلَمَةٍ أَشَدَّ مِنْ مَظْلَمَةِ لَأِ يَجِدُ صَاحِبَهَا عَلَيْهِا عَوْنًا - إِلَّا اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۱)؛ هیچ ظلمی سخت‌تر از آن ظلمی نیست که مظلوم یاوری جز خدا نداشته باشد. همچنین در مذمت سخت‌گیری بر زن و فرزند، از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمودند: «بدترین مردم مردمِ سخت‌گیر بر خانواده است؛ مردی که هرگاه وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۹). آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «از ما نیست، کسی که به خردسالان رحم نکند» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۴۰). به‌ویژه کودک‌آزاری‌های جنسی که مجازات‌های سنگین آن، نشانگر قباحت بسیار آن است. اباحه‌گری و بی‌توجهی به معیارهای دینی، عمده‌ترین دلیل کودک‌آزاری جنسی، به‌ویژه از سوی والدین کودک است (طارمی، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

## ۲-۵. آثار و پیامدهای کودک‌آزاری

آثار سوءاستفاده و آزار کودکان، به دو صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت بروز می‌کند. عوارض و پیامدهای ناشی از آزار، به شدت، مدت و تعداد رفتارهای آزاردهنده بستگی دارد که در دو بعد اختلالات و عوارض «جسمی» و «روانی - عاطفی» بررسی می‌شود:

۲-۵-۱. **عوارض جسمی:** این عوارض به دو صورت حاد و دیررس بروز می‌کنند و شامل اختلالات مغزی (یونیسف، ۱۳۸۷، ص ۱۱)، بینایی، شنوایی، پارگی و صدمات ارگان‌های داخلی، خونریزی ناشی از صدمات فیزیکی

بی‌رحمانه ایشان کودک‌آزاری است و گمان دارند که در جهت تربیت کودک گام برمی‌دارند. حال آنکه امروزه ثابت شده است که تنبیه بدنی، یکی از مخرب‌ترین روش‌های تربیتی است. به عقیده روان‌شناسان، تداوم این خشونت‌ها می‌تواند منجر به ترس، اضطراب و پرخاشگری در کودک، پنهان‌کاری، شب‌اداری، عدم اعتماد به نفس و عدم قدرت برقراری ارتباط با دیگران شود، به‌گونه‌ای که اکثر کودکان و نوجوانان بزهکار، از خشونت‌های خانگی رنج برده‌اند. البته عدم درک و آگاهی درست از تنبیه بدنی مجاز به قانون و فقه اسلامی نیز به‌جای خود، مؤثر است؛ چراکه از دیدگاه تربیت اسلامی، تنبیه بدنی آخرین شیوه تربیتی است و حد متعارف آن، عدم وجوب دیه، یعنی سرخ شدن پوست است. از این رو، تنبیه بدنی مجاز صرفاً تلنگری کوچک به کودک است، نه آزار جسمی و روحی او. عوامل اقتصادی و فقر نیز یکی از عوامل مؤثر در گسترش بسیاری از جرایم هستند. در روایات وارده از معصومان علیهم‌السلام آمده است: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲۷، ص ۲۴۷)؛ نزدیک است که فقر کفر باشد. فقر سبب می‌شود تا کودکان از دسترسی به نیازهای اساسی خود مانند آموزش، بهداشت، تغذیه و... محروم شوند، یا والدین به دلیل فشارهای مالی، با رفتارهایی همچون پرخاشگری، خشونت، بی‌توجهی و... کودکان را مورد آزار قرار دهند. به‌طورکلی، کودک‌آزاری مربوط به طبقه خاصی نمی‌شود و فقر فرهنگی به اندازه فقر اقتصادی می‌تواند در آن خطرآفرین باشد، به نحوی که مسئله کودک‌آزاری در بین افراد تحصیل‌کرده و با بضاعت مالی خوب هم دیده می‌شود (طارمی، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

۲-۴-۴. **ضعف باورهای دینی:** علاوه بر عللی که بدان اشاره شد، بزرگ‌ترین عامل وقوع کودک‌آزاری را می‌توان در

وارد بر قفسه سینه و شکم و معلولیت است. همچنین گاهی شدت صدمات به حدی است که موجب مرگ کودک می‌شود. در برخی مواقع نیز ممکن است پارگی کبد، روده‌بند یا اثناعشر، بدون اینکه هیچ اثر ظاهری بر روی پوست شکم دیده شود، به دنبال ضربه به شکم رخ دهد (آقاییگلویی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

**۲-۵-۲. عوارض روانی - عاطفی:** این گروه از عوارض شامل اختلالات شناختی، شخصیتی، تجزیه‌ای، اضطرابی، مشکلات کلامی، کاهش اعتماد به نفس، افسردگی و افکار خودکشی و همچنین عقب‌ماندگی رشد اجتماعی است. آزار روحی کودک، به دلیل اینکه تا مدت‌ها علایم بیرونی واضحی ندارد، پنهان‌ترین و مخرب‌ترین نوع آزار است و موجب خدشه‌دار شدن شخصیت کودک و احساس عدم لیاقت و شایستگی در او می‌گردد (آقاییگلویی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۴۷)؛ این در حالی است که کرامت و بزرگواری از عوامل مهم سلامت رفتاری است و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این رابطه می‌فرماید: «فرزندان خود را گرمی بدارید (به آنها شخصیت بدهید) و آنان را خوب تربیت کنید که موجب مغفرت شماست» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۷). کودکان قربانی سوءاستفاده جنسی، به علت مشکلات روانی ناشی از تجربه‌های خود، ممکن است سال‌ها عذاب بکشند. بعضی از این مشکلات عبارتند از: اختلالات خوردن و خوراک، اختلالات خواب، افسردگی، اختلالات اضطرابی، خودآزاری و اختلالات گسستگی، که همه ممکن است در بزرگسالی ادامه یابند. در صورتی که کودک از سنین بسیار پایین مورد سوءاستفاده جنسی قرار بگیرد و متجاوز از افراد بسیار نزدیک وی باشد، مشکلات روانی شدیدتر و طولانی‌تر خواهند بود (گنجی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱). از سوی دیگر، عدم عشق‌ورزی به کودک و بی‌توجهی به نیازهای

عاطفی او، باعث آزار عاطفی و روحی شدید کودک می‌گردد و ممکن است او را به انسانی پرخاشگر، خشمگین، لجباز، بی‌انضباط و بی‌توجه به ارزش‌های اخلاقی خانواده و اجتماع تبدیل کند (آقاییگلویی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۴۷). برخی تحقیقات نیز آثار سوء متفاوتی را بین زنان و مردانی که در دوران کودکی مورد کودک‌آزاری از سوی والدین خود قرار گرفته‌اند نشان می‌دهند. نتایج پژوهشی که در آن، هم دختران و هم پسران شرکت‌کننده دچار آزار جسمی شده بودند نشان داد که دختران بیشتر از پسران دچار افسردگی شدید و اضطراب شده‌اند (تامپسون، کینگری و دسای، ۲۰۰۴، ص ۵۹۹).

بر این اساس، عوارض جسمی و عاطفی از آثار زودرس معضل در کودکان به‌شمار می‌رود و پرواضح است که کودکانی با چنین وضعیت جسمی و روانی، در آینده نخواهند توانست افراد مفید برای خود، خانواده و جامعه خویش باشند که این امر مشکلات متعددی را برای خود جامعه از حیث نداشتن نسل سالم و پویا، بزهکاری، افزایش آمار جرم و جنایت، خانواده‌های نابسامان و... به عنوان پیامدهای دیررس این معضل خواهد داشت.

#### ۲-۶. حرمت اذیت و آزار کودک از دیدگاه اسلام

از نظر اسلام، خشونت و آزار و به‌طور کلی به‌کارگیری روش‌هایی که به ضرر جسمی و مالی دیگران منجر می‌شود، اعمال روش‌های خشن، بخصوص در رابطه با مسائل تربیتی و در رابطه با انسان‌هایی که خداوند به آنان شخصیت و کرامت عطا فرموده، از جمله کودک - جز در مواردی که خداوند متعال و شریعت مقدس اسلام در مبارزه با کفر و شرک و دفع ظلم از مظلومان تجویز کرده - ممنوع است. خشم و قهر تنها می‌بایست برای خدا و رضای او صورت گیرد. شرع مقدس، انسان‌ها را در تمام



خواهد زد» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۹، ص ۱۲). امام سجاد علیه السلام نیز از جمله گناهانی را که منجر به نزول عذاب می‌شوند، ستمگری از روی آگاهی و تجاوز به حقوق دیگران می‌دانند (صدوق، ۱۳۷۷، ص ۲۷۰).

با توجه به توضیحات مطرح شده، در ادامه، به تبیین حرمت کودک‌آزاری در قرآن، سنت و نظر مراجع عظام در این زمینه می‌پردازیم:

**کودک‌آزاری از دیدگاه قرآن:** نخستین و مهم‌ترین حقی که درباره کودک‌آزاران به آن توجه شده، حق حیات است که خود مبنای سایر حقوق قرار می‌گیرد. مخالفت شدید قرآن با کشتن فرزندان (انعام: ۱۳۷)، به علت ترس از تنگدستی و ناتوانی در رفع نیازهای مادی ایشان (انعام: ۱۵۱) یا ننگ داشتن از دختر بودنشان، یعنی دخالت دادن جنسیت نوزاد در رعایت حق حیات وی، بر همین موضوع دلالت دارد (نحل: ۵۸ و ۵۹). قرآن در این باره تا آنجا پیش می‌رود که محروم کردن کودک‌آزاران را از حق حیات، چونان شرک به خدا، حرام می‌داند و آن را رفتاری نابخردانه، خطایی بزرگ و موجب خسران و گمراهی و خروج از مسیر دین و هدایت الهی می‌شمارد (انعام: ۱۳۷، ۱۴۰ و ۱۵۱).

همچنین در میان آیاتی که به مسئله پرهیز از کودک‌آزاری اشاره دارند، می‌توان به این آیه استناد کرد: ﴿أَلَا تَضَارُّ وَالِدَةَ يَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ يُولَدُهَا﴾ (بقره: ۲۳۳)؛ به این معنا که مادر، فرزند خود را - در اثر خشمی که نسبت به پدر دارد - از شیر دادن رها نکند. همچنین پدر - برای ضرر رساندن به مادر - نوزاد را از مادر نگیرد؛ زیرا نتیجه این عمل ضرر به نوزاد است. از این آیه شریفه می‌توان دلالت روشنی را نسبت به حرمت کودک‌آزاری دریافت کرد؛ پس ضرر رساندن والدین به فرزندان حرام است (قرائی، ۱۳۸۸، ص ۱۶).

علاوه بر آیات ذکر شده، آیاتی از قرآن نیز تلویحاً بر

زمینه‌های فردی و اجتماعی به عدالت دعوت می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل: ۹۰)؛ عدالت در گفتار و قضاوت، عدالت در خانواده، عدالت در اقتصاد و... (قرائی، ۱۳۸۸، ص ۱۶). از دیدگاه قرآن، ظلم، ستم و آزار رساندن به دیگران از هدایت ناصحیح ناشی می‌شود و معمولاً بر مبانی جهل، ترس، نیاز، کمبود و خبثت درونی افراد استوار است. از دیدگاه قرآن، ستم و آزار رساندن به دیگران محکوم است و از این رو، باید به هر وسیله‌ای جلوی آن گرفته شود. چنان‌که در قرآن می‌خوانیم: ﴿... وَمَا اللَّهُ بِرَبِّدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۱۰۸)؛ ... و خداوند هیچ‌گاه ستم بر جهانیان را نمی‌خواهد. همچنین بنا بر مبانی اصیل اسلام، ظالم نسبت به مال و جان و عرض و ناموس خود یا دیگران، مجرم است و خداوند از مجرمان انتقام می‌گیرد: ﴿... إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ (سجده: ۲۲)؛...؛ حتماً از گنهکاران انتقام گیرنده‌ایم. اسلام دستور می‌دهد که می‌بایست در مقابله با ظلم و تعدی و رفع آن، مقابله به مثل کرد: ﴿... فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۱۹۴)؛... [چون خدا قصاص را در همه حرمت‌ها جایز دانسته] پس هر کس بر شما ستم کرد، شما هم به همان اندازه که بر شما ستم روا داشتند بر آنان ستم کنید و نسبت به ستم بیش از آن از خدا بترسید و بدانید که خدا با مردم باتقواست. علاوه بر آیاتی که بدان اشاره شد، در روایات و احادیث فراوانی، شکنجه و آزار رساندن به مردم نهی شده و وعده عذاب خداوند به ضارب و عامل آن داده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می‌فرماید: «بهترین اقسام جهاد آن است که کسی روز آغاز کند و در اندیشه ظلم به کسی نباشد» (عبادینی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰) و یا امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر کسی دیگری را تازیانه بزند، خداوند او را با تازیانه‌ای از آتش

زنی یا فشار دادن دستی از روی ستم باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۸). ایشان همچنین در زمینه تربیت کودکان و عدم استفاده از تنبیه بدنی می‌فرمایند: «پندپذیری انسان عاقل به وسیله ادب و تربیت است، این چهارپایان و حیوانات هستند که با زدن تربیت می‌شوند» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۸).

- امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود» (فوری، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۹۸) و «بدترین مردم نزد خداوند کسی است که بی‌گناهی را مجازات کند» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۲۰۲)؛ همچنین می‌فرمایند: «مردی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار دارد مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگ است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۶). آن حضرت افراد را متوجه لزوم حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها می‌نماید و به آنها توصیه می‌کند که حیثیت و آبروی دیگران را نشکنند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۸).  
- امام رضا علیه السلام به مردی فرمودند: پدر و مادر داری؟ عرض کرد: نه، فرمود: فرزند داری؟ گفت: آری. فرمود: «به او محبت کن که این کار برای تو به عنوان نیکی به پدر و مادر شمرده خواهد شد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۲۶). چنان‌که از روایات مذکور می‌توان دریافت، نه تنها کودک‌آزاری در فرهنگ معصومان علیهم السلام وجود نداشته و تحققش محال و غیرممکن بوده است، بلکه همچنین در نظر آنان بدترین مردمان کسانی‌اند که افراد بی‌گناه و کسانی که توان دفاع از خود ندارند را مجازات کنند و مورد ظلم قرار دهند.

**کودک‌آزاری در نظر فقها و مراجع عظام:** با توجه به آثار سوء بدرفتاری و خشونت نسبت به کودکان و نتایجی که این‌گونه اعمال بر کودکان و آینده آنها بر جای می‌گذارد و

مهرورزی والدین به فرزندان و اهتمام آنان بر تربیت ایشان تأکید دارد و ضمن اشاره به لزوم تکریم و محبت به فرزندان، از آنها با عناوینی همچون نور چشم (فرقان: ۷۴) و زینت‌بخش زندگی (کهف: ۴۶) یاد کرده است.  
**کودک‌آزاری از دیدگاه سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام:** در خصوص نهی و حرمت کودک‌آزاری و لزوم حفظ حرمت کودکان، روایات و احادیث متعددی وجود دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرزندان خود را احترام کنید و با آنان مؤدب رفتار کنید» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۶۲۵). همچنین می‌فرمایند: «لعن الهی و دوری از فیض خداوند بر پدر و مادری باد که فرزند خویش را به عصیان و آزار خودشان وادارند و باعث قطع رابطه محبت شوند» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۵۵) و نیز در جای دیگر فرمودند: «خدا رحمت کند پدر و مادری را که فرزند خود را بر نیک یاری کند!» راوی می‌گوید: پرسیدم چگونه او را بر نیک یاری کنند؟ فرمود: «۱. آنچه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند؛ ۲. آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت‌فرساست از او نخواهد؛ ۳. او را به گناه و طغیان وادار نکند؛ ۴. به کودک دروغ نگوید و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۴۴). همچنین حضرت فرمودند: «نگاه محبت‌آمیز پدر بر فرزند خود، عبادت محسوب می‌شود» (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲) و «در بهشت خانه‌ای است که به آن خانه شادی می‌گویند؛ به آن در نمی‌آید مگر کسی که کودکان را شاد کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۳۸۹).

- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «خدای تعالی می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند، از ستم هیچ ستمگری نخواهم گذشت، گرچه به اندازه دست بر دست

حساب نمی‌آید، بلکه یک نوع برنامه‌بازدارنده است که واقعاً در جهت اصلاح امر طفل می‌باشد و لذا آن را کاملاً محدود کرده است که از آن نباید تجاوز بکنند.

- آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی عقیده دارد که کودک‌آزاری در فقه ذکر نشده، ولی پدر و مادر باید حقوق فرزند را رعایت کنند و غیر از مخارج و نفقه، خواندن و نوشتن و شنا به او یاد بدهند. حدّ شرعی تنبیه اولاد آن اندازه‌ای که موجب دیه نباشد اشکال ندارد آن هم در صورتی که اولاد بدون آن تنبیه، تربیت نشود و بیش از آن اندازه موجب دیه بر پدر و مادر می‌شود و موارد مختلف است، ممکن است در بعضی از موارد قصاص والدین لازم باشد (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه، ۱۳۹۰).

#### ۷-۲. روش تربیتی اسلام: تکریم کودک

مطالعه سیره تربیتی پیشوایان دینی از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نشان می‌دهد که نظام تربیتی آنان برگرفته از تربیت الهی است که به کمال مطلق توجه دارد؛ از این رو، همواره رشد فرد را در نظر می‌گیرد و همواره بر پیش‌گیری پیش از درمان تأکید می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کودکی با فطرت سالم آفریده می‌شود، و این پدران و مادران هستند که آنان را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌گردانند» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۸). در همین زمینه، اسلام عوامل مؤثر در تربیت فرزندان را به دو بخش پیش از تولد و پس از آن تقسیم می‌کند: برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص انتخاب همسر مناسب پیش از تولد فرزند می‌فرماید: «به هم‌شأن خود زن بدهید و از هم‌شأن خود زن بگیریید و برای نطفه‌های خود جایگاهی مناسب انتخاب کنید» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۲۹). امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «همنشینی با زن احمق بلاست و فرزند او

همچنین نظر ویژه‌ای که دین مبین اسلام به این امانت‌های الهی دارد، در اینجا به ذکر نظر برخی از مراجع عظام که درباره مصادیق کودک‌آزاری بیان فرموده‌اند، می‌پردازیم:

- آیت‌الله العظمی سیستانی معتقد است: تنبیه بدنی جایز نیست مگر اینکه تأدیبی که لازم است متوقف بر آن باشد و در این صورت، پدر یا کسی که از سوی او مجاز است می‌تواند به نحوی که موجب سرخ یا کبود شدن نباشد کودک را بزند، ولی به احتیاط واجب نباید از سه ضربه سبک تجاوز کند و به هر حال، اگر موجب سرخی یا کبودی شد دیه دارد حتی اگر از سوی پدر باشد و به احتیاط واجب، زدن به هر نحو باشد پس از سن بلوغ جایز نیست و اگر حاکم شرع تشخیص دهد که پدر و مادر از نظر حفظ سلامتی کودک مورد اطمینان نیستند می‌تواند آنها را از حق حضانت و سرپرستی کودک محروم کند.

- آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی بر این عقیده است که کودک‌آزاری در شرع اسلام جایز نیست و هرگاه پدر یا مادری مرتکب چنین کاری شوند حاکم شرع می‌تواند آنها را تعزیر کند و اگر کاری باشد که منتهی به فوت یا نقص عضو یا جراحتی گردد، دیه دارد، ولی تنبیه‌های جزئی و مختصر که هیچ‌گونه اثری روی بدن نگذارد آن هم در صورت ضرورت، مانعی ندارد و چه بهتر که از آن هم صرف‌نظر شود و از طریق تشویق و محبت اقدام به تربیت شود.

- آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی معتقد است که تأدیب فرزندان بر پدر لازم است، لکن در حدودی که شارع مقدس اجازه داده و دستور شرع به اتفاق همه مراجع تقلید - دامت برکاتهم - این است که تنبیه باید به نحوی باشد که موجب دیه نشود.

- آیت‌الله العظمی نوری همدانی بر این عقیده است که آنچه را اسلام در موارد خاص خودش تجویز فرموده تأدیب است و با شرایط آن انجام می‌گیرد و خشونت به

با فرزندان بگذارد و نباید بین گفتار و کردارش تفاوتی باشد. ارتباط میان مادر و فرزند نیز اثرات مهمی در رشد روانی کودک دارد. والدین حالات متفاوتی را در رفتار با کودک از خود نشان می‌دهند و می‌توانند با محبت و آزادگذار، با محبت و محدودکننده، متخاصم و محدودکننده، یا متخاصم و آزادگذار باشند و با توجه به سبک یا شیوه‌ای که اتخاذ می‌کنند رفتارهای مختلفی را در فرزندان به وجود می‌آورند. شیوه‌های فرزندپروری به مجموعه رفتارها، روش‌ها و گفتارهای والدین، که نسبت به فرزندان خود اعمال می‌کنند، گفته می‌شود و محققان، شناخته‌شده‌ترین روش‌های تربیتی والدین را به چهار نوع کلی دسته‌بندی کرده‌اند: الف) روش غفلت از کودک (فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک)؛ ب) روش سخت‌گیرانه (انتظارات بالای والدین از فرزندان و بروز عواطف اندک نسبت به آنها)؛ ج) روش سهل‌گیرانه (توجه بیش از حد والدین به فرزندان و انتظارات کم از آنان)؛ د) روش مقتدرانه (کمک به استقلال و پیشرفت فرزندان، همراه با انتظارات روشن و معقول از آنها) (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۵).

این در حالی است که از دیدگاه احادیث، شیوه فرزندپروری مقتدرانه مناسب‌ترین روش است. شیوه مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ‌دهی متناسب، متعادل و به دور از افراط و تفریط مشخص می‌شود. در این شیوه، والدین کوشش می‌کنند تا فطرت فضیلت‌خواهانه فرزندان شکوفا شود. در این روش، بر اساس فرمایش امیرمؤمنان علی علیه السلام والدین خود را در فرزندپروری مسئول می‌دانند، فرزندان را مخلوق‌های دارای کرامت خداوند می‌دانند، با محبت و مهربانی با آنان رفتار و عزت و احترام به آنان را وظیفه خویش تلقی می‌کنند و رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان، بر محور تعادل و متناسب با اهداف عالیه تربیتی

تباه خواهد شد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۹۳). همچنین از جمله مواردی که اسلام پس از تولد فرزند بر آن تأکید دارد، می‌توان به مواردی همچون: اذان و اقامه در گوش نوزاد (توجه به حس شنوایی در یادگیری)، پوشش نوزاد (توجه به تأثیر رنگ در روان‌شناسی)، انتخاب نام نیک (به دلیل همانندسازی کودک با اسمی که با آن خوانده می‌شود)، ختنه کردن نوزاد پسر (به منظور حفظ سلامت جسمی و پیش‌گیری از برخی بیماری‌ها از نظر ارولوژی) و... اشاره کرد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

اسلام همچنین به اصولی همچون محبت به کودک (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۷۰)، تأمین امنیت، تکریم و احترام (تمیمی آمدی، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۷۱۲) و بازی با کودک (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۴۳، ص ۲۸۶؛ حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۱۹۴) به منزله محوره‌های اساسی برای پاسخ‌گویی به نیازهای پایه‌ای کودکان تأکید دارد و والدین را به استفاده از زمینه‌های درونی کودک (مانند فطرت، کنجکاوی، رغبت، الگوپذیری و مراحل تحولی) سوق می‌دهد.

به عبارت دیگر، پدر و مادر نقش مهمی در خوش‌بختی و بدبختی فرزندان‌شان دارند؛ آنان هستند که فرزند خود را در مسیر سعادت یا بدبختی قرار می‌دهند. بنابراین، امانت بودن فرزندان به این معنا نیست که فقط به بهداشت و تغذیه جسمانی آنان بپردازیم. به علاوه، باید بدانیم که کودکان معصوم ما با زمینه فطری سالم به دست ما سپرده شده‌اند و ما باید در این فطرت خیانت نکنیم. کودکی دورانی حساس و مهم در رشد و شکل‌گیری شخصیت انسان است و تأثیرات آن تا پایان عمر باقی می‌ماند؛ از این رو، توجه به تربیت کودک در این دوره ضروری است. پدر باید الگوی فرزند در صداقت، سخاوت، و شرافت باشد. او باید وقت کافی برای ارتباط

خصوص سبک‌های فرزندپروری بیان شد، می‌توان دریافت که روش تربیت دینی منطبق با سبک فرزندپروری مقتدرانه است (ابراهیم‌زاده پارسایی، ۱۳۸۸) که در آن، تعامل والدین و فرزندان بر اساس صداقت در گفتار و رفتار است. در این روش، به دلیل مسئولیت‌پذیری والدین، برخلاف سبک سهل‌گیرانه، زمینه‌های ایجاد تخلف زوده می‌شود و والدین با توجه به رأی فرزندان و باور توانایی‌های آنها، از امر و نهی و عیب‌جویی و سرزنش پرهیز می‌کنند و شیوه تربیتی مستبدانه‌ای ندارند.

به‌طور خلاصه، در سیره معصومان علیهم‌السلام چهار اصل از اصول تربیت فرزند بیان شده است: ۱. آزادی کودک (به جهت نبستن راه شناخت اشیا و امور بر کودک و ایجاد موانع رشد و شناخت با سخت‌گیری‌ها و امر و نهی بی‌جا)؛ ۲. نظارت و مراقبت (نظارت والدین در دوست‌یابی، طرز پوشش، کلام، آموزش‌ها، رفت‌وآمدها و... فرزندان)؛ ۳. رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض بین فرزندان (رعایت مساوات بین فرزندان دختر و پسر و تفاوت نگذاشتن بین آنها به‌ویژه در ابراز محبت و اهدای هدیه)؛ ۴. نرمی و ملاحظت در برابر سختی و خشونت (به سبب عدم بروز احساس طرد، رنجش و رفتار بی‌رحمانه در فرزندان).

روش اسلام در تربیت کودک، محبت، پند و نصیحت توأم با مدارا و احتیاط یعنی جذب است که باید در عین حال، دلنشین و مؤثر باشد. بنابراین، سرزنش، تنبیه و مجازات نخستین عامل تربیتی در اسلام نیست، بلکه ابزاری است که در صورت سودمند واقع نشدن رفیق و محبت در ایجاد عادات خوب به کار می‌آید. در تربیت اسلامی زیاده‌روی دیده نمی‌شود و فقط از این راه می‌توان افرادی معتدل را تربیت کرد؛ به‌گونه‌ای که تمام

است. والدین نسبت به فرزندان مهربانند و انتظارات بیش از حدّ توان از آنها ندارند، اما اهداف و انتظارات روشنی را برای فرزندان ترسیم می‌کنند. این والدین نسبت به سرنوشت فرزندان حساس‌اند و آنان را به حال خود رها نمی‌کنند، بلکه الگوی مناسبی برای آنها به‌شمار می‌روند. از دیدگاه اسلام، نقش والدین در فرزندپروری مقتدرانه در دوره کودکی، نقش محبتی، حمایتی، مراقبتی، آموزشی، تأدیبی و انضباطی است. از سوی دیگر، نادیده گرفتن خطاهای کوچک، پذیرش فرزند هنگام خطا، عفو و مهرورزی از نقش‌های اساسی والدین محسوب می‌شوند.

ایفای این‌گونه نقش از ناحیه والدین به کاهش مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری، بزهکاری و سایر رفتارهای نابهنجار می‌انجامد. این نقش علاوه بر پیش‌گیری، جنبه درمانی نیز دارد؛ زیرا بر آن اساس، والدین به اصلاح رفتارهای نامناسب می‌پردازند (همان). هسته بهزیستی شامل خرسندی، رضایت یا شادی ناشی از عملکرد بهینه است (مک داول، ۲۰۱۰) که دستیابی به آن از طریق فرزندپروری اسلامی تسهیل می‌شود. انسان از راه‌های مختلف یاد می‌گیرد که از جمله می‌توان به تقلید (به‌ویژه تقلید از پدر و مادر)، آزمایش عملی و آزمایش و خطا و تفکر (برای مثال، با روش بحث و گفت‌وگو) و... اشاره کرد. از جمله اصول یادگیری مستخرج از آیات قرآن و روایات، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. انگیزه؛ ۲. تکرار؛ ۳. توجه؛ ۴. مشارکت فعالان؛ ۵. توزیع یادگیری؛ ۶. تدریج در تعدیل رفتار (نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۹-۳۶۰).

به‌طورکلی، در تربیت دینی چهار اصل در روش‌های تربیت فرزند لحاظ می‌شود که شامل: ۱) راستی و صداقت؛ ۲) زدودن زمینه‌های تخلف؛ ۳) پرهیز از امر و نهی؛ ۴) پرهیز از عیب‌جویی و سرزنش است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶). با توجه به آنچه در

قوای او اشباع و تعدیل شوند و جسم و روح و عقل، هماهنگ باشند (پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۱). از دیدگاه حقوق و فقه اسلامی نیز، گرچه تنبیه بدنی کودک توسط والدین، در حدی که موجب سرخی، سیاهی و کبودی بدن نشود و آن هم در راستای تربیت و هدایت آن، فی الجمله جایز دانسته شده است؛ اما در عین حال، خشونت والدین علیه کودک را مذموم دانسته و آن را مضر به تربیت و هدایت فرزند می‌داند. در مقابل، والدین را تشویق و ترغیب به مهر و محبت و نوازش کودک می‌نماید، تا آنجا که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «آن کسی که به کودکان رحم نمی‌کند و به بزر سالان احترام نمی‌نماید از ما نیست» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۴۰).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مصادیق، علل و آثار پدیده کودک‌آزاری و بررسی نظر اسلام، سیره معصومان علیهم‌السلام و مراجع عظام در این رابطه انجام شده است. با مروری بر تحقیقات انجام‌شده در رابطه با مسئله کودک‌آزاری و خشونت نسبت به کودکان، به نتایج شومی که این پدیده بر جسم، روان و در نهایت زندگی آینده این کودکان می‌گذارد پی بردیم و این مهم از دلایل اصلی توصیه‌ها و دستورات بی‌شمار دین اسلام و پیشوایان دینی در جهت حفظ کرامت و ارزش انسانی و توجه به انتخاب همسر شایسته و تربیت فرزند حتی پیش از ازدواج و آموزه‌های همه‌جانبه به منظور حفظ بنیان خانواده و پیش‌گیری از آسیب‌های بعدی می‌باشد.

در حقیقت، خشونت علیه کودکان اگرچه در نگاه اول، پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد، اما با توجه به پیامدها و آشفته‌گی‌های سوئی که در نظم و سلامت جامعه ایجاد می‌کند، منشأ بسیاری از رفتارهای انحرافی است. این در

حالی است که از نظر اسلام، خشونت و آزار و به‌طورکلی به‌کارگیری روش‌هایی که به ضرر جسمی و مالی دیگران منجر شود و اعمال روش‌های خشن، بخصوص در رابطه با مسائل تربیتی و در رابطه با انسان‌هایی که خداوند به آنان شخصیت و کرامت عطا فرموده، از جمله کودک ممنوع است و در قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام کراراً بدان اشاره شده است. والدین حق ندارند به هیچ بهانه‌ای صدمه جسمی یا روحی به کودک وارد کنند؛ ضمن اینکه، جواز تأدیب کودک در اسلام نیز منوط به شرایط و محدود به حدود خاصی است. از این رو، والدین نمی‌توانند به استناد حق تأدیب به هر شیوه‌ای برای تأدیب کودک خود توسل جویند. اسلام خشونت علیه کودک را مذموم دانسته و آن را مضر به تربیت و هدایت فرزند می‌داند. در مقابل، والدین را تشویق و ترغیب به مهر و محبت و نوازش کودک می‌نماید، تا آنجا که رسول خدا ﷺ فرمودند: «آن کسی که به کودکان رحم نمی‌کند و به بزر سالان احترام نمی‌نماید از ما نیست». پیشرو بودن اسلام در زمینه توجه به حقوق کودک مسئله‌ای است که اندیشمندان غربی هم به آن اذعان دارند. در کتاب **حقوق اسلامی** اثر ریموند، اندیشمند فرانسوی آمده است: «حقوق جزای اسلام دوازده قرن از حقوق ممالک اروپایی پیشرفته‌تر است؛ زیرا زمانی که ما حیوانات و اجساد را محاکمه و مجازات می‌کردیم، در جزای اسلامی اصل عدم مسئولیت کودکان و افراد فاقد عقل و اختیار پذیرفته شده و مهم‌تر اینکه قاعده شخصی بودن مجازات پایه‌گذاری شده بود» (نجفی توانا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲).

بنابراین، می‌توان گفت: نکته بسیار جالب توجه این است که این حمایت‌ها از حقوق کودکان در قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام زمانی مطرح شده که هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود

رفاه اجتماعی، سال دوم، ش ۷، ص ۱۳۱-۱۳۸.

شامیابی، هوشنگ، ۱۳۸۲، *بزهکاری اطفال و نوجوان*، تهران، مجد.

شکوهی یکتا، محسن و همکاران، ۱۳۸۵، «مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری»، *تربیت اسلامی*، دوره دوم، ش ۳، ص ۱۱۵-۱۴۰.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۷۷، *معانی الاخبار*، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

طارمی، محمدحسین، ۱۳۸۸، «علت‌شناسی پدیده کودک‌آزاری»، *پگاه حوزه*، ش ۲۵۲، ص ۲۶-۳۰.

طاهری، حبیب‌الله و ثریا فنبیری، ۱۳۸۹، «بررسی جرم کودک‌آزاری از دیدگاه قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه»، *پژوهش‌های فقهی*، سال ششم، ش ۸، ص ۶۸-۵۵.

طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۸۶، *مکرم الاخلاق*، ترجمه محمدحسین رحیمیان، قم، شریعت.

عابدینی، کاظم، ۱۳۹۱، *مجموعه کبیر (از خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم خاتم الاوصیا علیه السلام)*، ج دوازدهم، قم، ندای دوست.

فلسفی، محمدتقی، ۱۳۶۸، *الحمدیث*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

قرائی، ثمانه، ۱۳۸۸، «یک آیه و چند نکته/اذیت و آزار کودک از دیدگاه اسلام»، *بشارت*، ش ۷۱، ص ۱۶-۱۹.

کاویانی فر، مرتضی، ۱۳۸۹، «راه‌کارهای پیشگیری از کودک‌آزاری»، *گزارش*، ش ۲۱۸، ص ۱۶-۱۷.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۳ق، *اصول کافی*، ج دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

**کودک‌آزاری از دیدگاه مساجد عظام تقلید**، ۱۳۹۰، در: [www.shafaqna.com](http://www.shafaqna.com)

گنجی، مهدی، ۱۳۹۲، *آسیب‌شناسی روانی بر اساس DSM-5*، تهران، ساوالان.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۶، *بحارالانوار*، ترجمه علی دوانی، بیروت، مؤسسة الوفاء.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۶۲، *میزان الحکمه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

مدنی، سعید، ۱۳۸۳، *کودک‌آزاری در ایران*، تهران، اکنون.

موسوی شندی، پدram و فهیمه سوهانی، ۱۳۸۱، *گیسوان در آتش خشونت*، تهران، اندیشمند.

نداشته است. اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای اولیه جسمی، روحی و روانی کودکان و دفاع از آن، زمینه را برای رشد و پیشرفت آنان در همه جنبه‌ها فراهم آورده است؛ از این رو، برای جلوگیری از پدیده کودک‌آزاری که متأسفانه امروزه در جوامع جهانی گسترش یافته است، استفاده از تعالیم دینی و نقطه نظر کارشناسان مذهبی در زمینه نحوه رفتار با فرزندان و چگونگی تعلیم و تربیت آنان ضروری به نظر می‌رسد.

## منابع

آقابیکلویی، عباس و همکاران، ۱۳۸۲، *کودک‌آزاری*، تهران، آوند دانش.

ابراهیم‌زاده پارسایی، ملیحه، ۱۳۸۸، *مقایسه سبک‌های فرزندپروری والدین مذهبی و غیرمذهبی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

اخلاقی، اسماعیل، ۱۳۸۷، «تأدیب کودک از نظر تربیت و فقه اسلامی»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ش ۵۷۰، ص ۶۸-۷۴.

بازرجی، لویسا، ۱۳۸۳، *راهبرد ارتباطی در خصوص پدیده کودک‌آزاری در ایران*، تهران، صندوق کودکان سازمان ملل متحد.

بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، «کودک‌آزاری»، *حقوق و علوم سیاسی*، ش ۳، ص ۲۷-۲۲.

پاکدامن، شهلا و همکاران، ۱۳۹۱، «سیره تربیتی پیشوایان دینی در مقابله با تنبیه بدنی کودکان»، *حقوق بشر*، ش ۱، ص ۸۳-۹۶.

تیمی‌آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۳۷، *غرورالحکم و درالکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، دارالکتب.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، *مفاتیح الحیاه*، قم، اسراء.

حراملی، محمدبن حسن، ۱۳۶۷، *وسائل الشیعه*، ترجمه علی افراسیابی، ج ششم، تهران، اسلامیه.

حسینی زاده، سیدعلی، ۱۳۸۴، *سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خوشابی، کتایون، ۱۳۸۲، «گزارش یک مورد سوءاستفاده جنسی»،

نجاتی، محمدعثمان، ۱۳۸۱، *قرآن و روان‌شناسی*، ترجمه عباس عرب، چ پنجم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی. نجفی توانا، علی، ۱۳۸۹، *نابهنجاری و بزکاری اطفال و نوجوانان از منظر جرم‌شناسی و اسناد بین‌الملل*، تهران، راه تربیت. نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل*، چ دوم، قم، مؤسسه آل‌البیت الاحیاء و التراث. یونیسف، ۱۳۸۷، *محو خشونت علیه کودکان*، تهران، یونیسف.

Douglas, E. M. & B. L. Mohn, 2014, "Fatal and non-fatal child maltreatment in the US: An analysis of child, caregiver, and service utilization with the National Child Abuse and Neglect Data Set", *Child Abuse & Neglect*, n. 38, p. 41-52.

Mc Dowell, i, 2010, "Measures of Self-Perceived Well-Being", *Journal of Psychology Research*, n. 69, p. 69-74.

Polcaria, A. & et.all, 2014, "Neglect Parental Verbal Affection and Verbal Aggression in Childhood differentially Influence Psychiatric Symptoms and Wellbeing in Young Adulthood", *Child Abuse & Neglect*, n. 38, p. 91-102.

Thompson M.P., J.B. Kingree & S. Desai, 2004, "Gender Differences in Long-term Health Consequences of Physical Abuse of Children: data from a Nationally Representative Survey". *American Journal of Public Health*, n. 94, p. 599-604.